

نکاتی در خدمت به هر چه باشکوه تر برگزار کردن مراسم روز جهانی زن

8 مارس روز جهانی زن در راه است. برگزاری مراسم این روز در سراسر جهان فراتر از یک جشن سنتی یا یک یادآوری تاریخی است. چند و چون برگزاری مراسم این روز به یکی از نشانه های درجه توانایی و معیارهای رو به پیش جنبشهای زنان تبدیل شده است. در این روز میزان توانایی های جنبش زنان در مقابله با موانع موجود بر سر راه دست یابی به حقوق انسانی خود به نمایش در می آید.

اکنون چند سالی است که در ایران پیشروان و فعالین جنبش زنان تلاش خود برای تحمیل این روز را به رژیم اسلامی چند برابر کرده اند. نیروهای امنیتی و انتظامی رژیم ارتجاعی و ضد زن در ایران با کینه تیزی کم نظیری به مقابله با زنان آزاده ای که میخواهند مراسم این روز را برگزار کنند می پردازند. پاسدارها و خواهر زینب های چماقدار تمام قوای خود را بکار می اندازند تا حتی اگر شده از خواندن یک سرود و سر دادن یک شعار توسط زنان اجتماع کننده جلوگیری کنند. نمونه آنرا سال گذشته در رویدادهای پارک لاله تهران دیدیم. اما واقعیت این است که رژیم اسلامی با بکار بردن همه ابزارهایش هم نتوانسته است که شور و شوق برگزاری این روز را در زنان ایران خفه کند. واقعیت این است که حتی انعکاس همین درگیریها و مقاومتها، خود در رسوا کردن بیش از پیش رژیم و در دادن اعتماد به نفس به زنان پیشرو نقش بر جسته ای داشته است. مبارزات زنان ایران امروز به یکی از ستون های اساسی مبارزه ریشه ای با نظام حاکم تبدیل شده است.

در سالهای اخیر در بعضی از شهرهای کردستان شاهد تلاش ارزشمند زنان برای تبدیل کردن برگزاری مراسم این روز به یک سنت جا افتاده بوده ایم. مراسم این روز با همت زنان پیشرو با گرایشات چپ و سوسیالیستی می رود تا به یک رویداد غیر قابل حذف در این جامعه تبدیل شود. نشانه های تاثیر اجتماعی فعالیت این قشر از زنان کردستان را میتوان در تحرک گروههای دیگر با گرایشات اصلاح طلبانه و لیبرالی و فیمینیستی اسلامی هم مشاهده کرد.

در کنار این حرکتهای دستگامهای رژیم هم هر ساله در حول و حوش این روز بکار می افتند تا با آلوده کردن مراسم ها به سموم دخالت دولتی از تاثیر حرکات چپ و رادیکال در این زمینه بکاهند. در عین حال برای برگزاری مراسم های جداگانه ای که توسط گروههایی با گرایشات راستروانه سازمان داده میشود تسهیلاتی فراهم می کنند. حتی سعی میکنند سخنرانان و سخنگویان خود را به این مراسم ها بفرستند. اما با

همه اینها نفس توجه رژیم به این عرصه خود نشانه اهمیت حرکتی است که پیشقراول آن زنان آزاده و مبارز در جامعه بوده اند.

هم اکنون سازمانها و گروههای غیر حکومتی متعددی موسوم به ان. جی. او. های زنان با گرایشهای مختلف در حال تدارک مراسم این روز هستند. آنچه که در این نوشته کوتاه مورد نظر است، این است که با توجه به تجارب سالهای گذشته در خود کردستان، نشان داده شود که از چه راههایی میتوان با حداقل تفرقه در صفوف زنان و با نشان دادن حداکثر توانایی جریان رادیکال، مراسم های هر چه باشکوه تری برگزار شوند. در همین رابطه است که تکیه بر چند نکته ضروری است.

1_ اهمیت برگزاری مراسم روز جهانی زن در هر چه توده ای تر برگزار شدن آن است. مهم این است که زنان و مردان برابری طلب در این مراسم از جمعیت متحد و از پژواک فریادهای خود نیرو و اعتماد بنفس کسب کنند. بنابراین برگزاری مراسم های خصوصی در محافل کوچک که ویژه دوران خاصی از حیات رژیم حاکم بوده است، در عین اینکه نشانه تلاش و تعلق خاطر صمیمانه برگزار کنندگان آن است، امروز دیگر نبایستی انرژی و توان زنان مبارز را بخود مشغول کند. این محافل و تجمع ها بایستی مانند جویبارهایی از همه جا به سمت مراسم اصلی و مرکزی شهر سرازیر شوند.

یکی از کمبودهای حرکت 8مارس در کردستان هنوز این است که نتوانسته است به اندازه لازم توجه زنان زحمتکش را بخود جلب کند. جمعی از فعالین و پیشروان زنان اگر چه اهمیت خود را دارد اما آنچیزی نیست که ما در کردستان با درجه بالایی از آگاهی اجتماعی و از سنت مبارزه و مقاومت که در این زمینه وجود دارد، بدنبال آن هستیم. پس اصل اول در این روز بایستی این باشد که شمار اجتماع کنندگان هر چه پر تعدادتر باشد. البته روشن است که اجرا کردن آن در عمل برای پیشروان سازمانده، مستلزم داشتن تجربه لازم در این زمینه است و از اینجا به نکته دوم می رسیم.

2_ وقتی اصل بر هر چه پر جمعیت تر برگزار کردن مراسم باشد، در این صورت توده زنان و مردان علاقمند به شرکت بایستی بدانند که به مراسم پرخطری قدم نمیگذارند. آنها بایستی متقاعد شوند که برگزاری چنین مراسمی در شرایط کنونی امکانپذیر است و بدانند که برگزار کنندگان مراسم انسانهای مسئولی هستند که شرایط را درست تشخیص داده اند و می دانند که چه حرکتی امکان پذیر است و چه حرکتی امکان پذیر نیست. برای امنیت این تجمع از قبل فکر کرده اند. انتهای حرکت خود را هم پیش بینی کرده اند و برگزاری این مراسم سوق دادن اجتماع کنندگان به سوی رویارویی های سخت و پر خطر با نیروهای امنیتی رژیم نیست. میتوان با بکار بردن

روشهای سنجیده، کار حمله به تجمع روز جهانی زن را برای نیروهای انتظامی رژیم دشوارتر کرد.

برگزارکنندگان مراسم حتی بایستی از قبل برای بعضی از حرکت‌های احتمالی خود انگیزته و احساساتی گروه‌های از شرکت‌کنندگان که خارج از سیاست عمومی ناظر بر مراسم باشد، خود را آماده کرده باشند و بدانند که در صورت بروز چنین حرکتی چگونه با ملایمت و دلسوزی آرامش را به تجمع بازگردانند. با حرکت در همین جهت به نکته سوم می‌پردازیم.

3 گفتیم که گروه‌های مختلف زنان و مردان با گرایش‌های مختلف در تدارک برگزاری مراسم هستند. اما سنت 8 مارس در مجموع و تاریخا و عملا یک سنت چپ بوده است. بنیانگذاران آن کمونیستها بوده‌اند. در اینجا و در این دوره گرایشی که به برگزاری روز جهانی زن علاقه نشان می‌دهد، قبل از هرچیز معنای آن در دنیای واقع این است که بخواد یا نخواهد تحت تاثیر معنوی یک شعار و یک حرکت چپ قرار گرفته است و البته سعی میکند آنرا در سیستم فکری و اجتماعی خود بکار بگیرد. بنابر این علی‌القاعده میتوان با آنها در برگزاری مراسم متحد شد. لازم است که همه روشهای اصولی را بکار گرفت تا اگر ممکن شود همه با هم این مراسم را برگزار کنند. از نظر من در این زمینه توجه بیشتر باید به جلوگیری از سوء استفاده رژیم معطوف شود. نبایستی بگذاریم سخنگویان رسمی دولتی در این مراسم‌ها سخنرانی کنند و یا پیام‌هایشان خوانده شود. این مراسم جای خودنمایی فرماندار و استاندار و دیگر افراد رژیم که سرتاپای رژیمشان دشمنی با حقوق انسانی زنان است، نیست. اما بعنوان مثال اگر زنی میخواهد با حجاب کامل در این مراسم حضور داشته باشد، بایستی بگذاریم که خود متوجه تناقض سر و وضع و پوشش خود با شعارهایی که بر در و دیوار آویزان شده است و یا سر داده میشوند، بشود. سازماندگان مراسم بایستی نشان بدهند که بدون انحصار طلبی به گرایش‌های دیگر هم مجال طرح شعارها و سخنرانی خواهند داد. قبلا گفتم که نفس برگزاری مراسمی که در آن شعارهای چپ و رادیکال طرح میشود، بر فضای سیاسی جامعه تاثیر میگذارد و اگر برگزاری مراسم روز 8 مارس برای ما یک هدف در خود نیست که در آن جمع شده باشیم تا دق دلیلهای خود را خالی کنیم، بلکه هدف اجتماعی بزرگی را مد نظر دارد، در این صورت بایستی ب فکر انعکاس نیرومند اجتماعی آن باشیم. این سیاست برای برگزاری مراسم 8 مارس شاید همیشه و همه جا مصداق نداشته باشد، ولی در شرایط کنونی کردستان و وجود یک جنبش عمومی مقاومت و انقلابی در برابر رژیم اسلامی، سیاستی اصولی و کارساز است. نکته چهارم به شعارهایی که لازم است طرح شوند مربوط می‌شود.

4_ گرایش چپ و رادیکال نبایستی در طرح مطالبات برابری طلبانه زنان دچار محافظه کاری شود. همه آنچه که برای مثال در "بیانیه حقوق زن" مصوب حزب کمونیست ایران آمده است، همه جا و از جمله در این مراسم ها هم قابل طرح هستند. هیچکدام از اینها شعارهای باصطلاح تحریک آمیز، افراطی و یا زود رسی نیستند. اما انتخاب این یا آن مطالبه و برجسته تر کردن آن بایستی به نحوی باشد که بویژه زنان زحمتکش شرکت کننده در مراسم آنرا به زندگی و حقوق پایمال شده خود بیشتر مربوط بدانند. یعنی در واقع انعکاس مشکلات واقعی همین امروز زندگی آنها باشد نه مشغله ذهنی گروههای محدود و حاشیه ای. مهم این است که بعد از برگزاری مراسم چه آموخته هایی در ذهن آنها نقش می بندد و در روزهای بعد آنها را در صحنه های مختلف زندگی خود در خانواده، در جامعه و در مقابل قوانین دولتی پیگیری خواهند کرد. طرح شعارهای بموقع و تشخیص درست اولویتها در این زمینه از اهمیت زیادی برخوردار است.

5_ و نکته آخر این است که هدف از برگزاری این مراسم وسیله ای برای بهره برداری های محدود سازمانی نیست. آنهایی که می خواهند با هر حيله و روشی که شده است رد پایی از سازمان خود را در گوشه و کنار مراسم بنمایش بگذارند، فقط تنگ نظری و کوتاه فکری خود را بنمایش گذاشته اند. اگر قرار است سازمان و گرایش معینی از نتایج برگزاری یک مراسم خوب، منظم، پر محتوی و موفق، استفاده کند، این بهره برداری اگر صادقانه و روا باشد بعدا و در نتایج اجتماعی آن و در تغییر فضای عمومی جامعه بنفع جنبش زنان، صورت خواهد گرفت. وجود این انگیزه ها ی محدود نگرانه را بایستی دوستانه برای صاحبان آنها توضیح داد و آنها را از چنین روشهای وحدت شکنانه و سکتاریستی برحذر داشت.

سروه ناصری

اول مارس 2007

E.mail: serva_naseri@hotmail.com